

شماره ۷۳  
م

شماره ۷۳  
م

باسمه تعالی

دانشگاه امام صادق (ع)  
دانشکده اقتصاد و معارف اسلامی

۱۳۷۴ / ۵ / ۱۱

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران  
تهران - میدان آرژانتین

مالکیت و استخراج معدن از دیدگاه فقهاء  
همراه با نگاهی به معادن ایران

پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته

استاد راهنما: حضرت حجه الاسلام والمسلمین جناب آقای محمدعلی تسخیری

اساتید مشاور

حضرت آیت الله سید حسن طاهری خرم آبادی  
جناب آقای دکتر علی شمس اردکانی

نگارش از: سید مهدی عاطفیان  
دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته  
رشته معارف اسلامی و اقتصاد

اردیبهشت ماه ۱۳۷۰

۴۵۳

باسمه تعالی

دانشکده اقتصاد و معارف اسلامی مسئول عقود که بوسه در این باس اع اظهار کرده

است . نمی باشد .

۳۵۴

## فهرست مطالب

### بخش اول

مقدمه

#### فصل اول: انفال از دیدگاه فقهای بزرگوار اسلام

الف - تعریف انفال

۱- در لغت

۲- در لسان فقها

ب - موارد و متعلقات انفال

ج - مالکیت، اداره و نظارت بر انفال

۱- در زمان حضور امام (ع)

۲- در زمان غیبت امام (ع)

\* نقش و جایگاه فقیه عادل در حکومت اسلامی

د - کیفیت تصرف و موارد مصرف

ه - نقش انفال در تحقق مصالح اجتماعی

#### فصل دوم: معدن از دیدگاه فقهای گرانقدر اسلام

الف - تعریف معدن

ب - انواع معادن

۱- ظاهری

۲- باطنی

ج - مالکیت معادن

۱- جزء انفال است

۲- از مباحات عامه است

۳- به تملك افراد درمی آید

۴- تبعیت از مالکیت زمین

الف - انواع زمین از نظر فقهی

ب - مالکیت انواع مختلف زمین

۱- زمینهای مفتوحه العنوه (خراج)

۲- زمینهای صلح (جزیه)

۳- زمینهایی که صاحبانش با میل خود اسلام آورده اند

۴- زمینهای انفال

جمع بندی

ج - مالکیت معادن موجود در زمینهای مختلف

د - کیفیت تملك

ه - شرایط تملك و تصرف افراد

و - خمس معادن

۱- معادنی که مشمول خمس است

۲- حد نصاب

۳- رابطه خمس با مالکیت معدن

### فصل سوم: استخراج معدن از دیدگاه فقهای اسلام

مقدمه

الف - چه کسی و با چه شرایطی می تواند معدن را استخراج نماید؟

ب - مشارکت در استخراج معدن

اصل شرکت در استخراج معدن

کیفیت مشارکت

۱- معادن ظاهری

۲- معادن باطنی

ج - وکالت در استخراج

۱- معادن ظاهری

۲- معادن باطنی

د - اجاره در استخراج معدن

نتیجه فصل سوم

جمع بندی بخش اول

## بخش دوم:

### فصل چهارم: نظری اجمالی بر معادن ایران

مقدمه: توضیحی در مورد معدن و صنعت معدنی

ذخائر مواد معدنی و محصول معادن

۱- منابع مواد معدنی

۲- گروه بندی مواد معدنی

الف - تاریخچه ای از معدن و معدنکاری در ایران

مقدمه

وضعیت اکتشاف و استخراج معادن در گذشته و حال

۱- سیر قانونی جریان فعالیت های معدنی

۲- تشکیلات ناظر بر فعالیت های معدنی

۳- نگاهی اجمالی به فعالیت های زمین شناسی و اکتشافات معدنی

۴- نگاهی اجمالی به وضعیت استخراج و بهره برداری از معادن کشور

ب - معادن از دیدگاه آمار

۱- معادن مهم ایران

مس

آهن

ذغال سنگ

سرب و روی

\* اهمیت خودکفائی در عرضه مواد معدنی به بخش صنعت

۲- بررسی معادن ایران از لحاظ نوع

۳- بررسی ارزش تولیدات معادن

۴- پراکندگی معادن بر حسب استان

ج - بررسی وضع موجود معادن و نقش معادن در تقویت و توسعه اقتصاد کشور

د - میزان سرمایه گذاری دولت در فعالیت های معدنی در سال های مختلف

ه - سهم بخش معدن در تولید ناخالص داخلی

و - نقش معدن در برنامه پنج ساله

ز - نارسائی ها و مشکلات بخش معدن

بخش سوم - پیوستها

فهرست منابع و مآخذ -

# بخش اول

## مباحث فقهی

## مقدمه

هر حکومتی برای اداره جامعه و ارائه امکانات عمومی زندگی در زمینه های مختلف فرهنگی ، اقتصادی ، سیاسی و ... نیاز به بودجه دارد . و باید منبع تأمین آنرا به شکلی مطمئن در نظر داشته باشد .

جامعه اسلامی نیز بر طبق تعالیم اسلام و روح حاکم بر دستورات آن ، جامعه ای است که تحت هدایت و نظارت حکومت حقه ای ، سیر تکاملی خود را می پیماید . این حکومت نیز باید منابع مالی مطمئنی برای اداره جامعه در اختیار داشته باشد . دقت در احکام اسلام برای ما روشن می کند که این منابع به صورت صحیح پیش بینی شده است ، که یکی از مهمترین آنها انفال است . و یکی از موارد انفال نیز — طبق بعضی از اقوال — معادن است .

معادن ذخائر سرشار خدادادی است ، که باید به طور کامل و صحیح در اختیار انسانها قرار گیرد . در این رساله سعی بر این داریم که ، آراء فقهای گرانقدر اسلام را در مورد این بخش از ثروت عمومی جامعه ، مورد بررسی قرار دهیم ، البته نه به صورت یک بررسی نهائی و ارائه نتایج کامل ، بلکه به عنوان یک تلاش واسطه ای در جهت هموار نمودن قسمت کوچکی از مسیر طولانی ، که محققان و اندیشمندان ، برای رسیدن به نتایج نهایی طی خواهند نمود .

اوراقی که پیش رو دارید مزین است به آراء و فتاوی مبارک بزرگان اسلام ، که برای کاستن از صعوبت تفحص در متون مختلف فقهی ، آنها را نقل کرده ایم ، و به عرض صرف نتایج اکتسافا ننموده ایم . باشد که تلاشگران در این زمینه را ، از مراجعه مکرر به کتابهای مطول که مستلزم صرف وقت و حوصله فراوان است ، تا حدی بی نیاز گرداند .

در این بحث ابتدا نگاهی داریم به انفال و متعلقات آن و سپس به کیفیت مالکیت معادن و

استخراج آن خواهیم پرداخت .

## فصل اول

انفال از دیدگاه فقهای بزرگوار اسلام



## انفال از دیدگاه فقهای اسلام

### الف - تعریف انفال

#### ۱ - در لغت

برای نفل و انفال ، و مشتقات آن ، در کتب مختلف لغت بیش از بیست و پنج معنی ذکر شده است .<sup>۱</sup>

آنچه از قدر مشترك بین معانی به دست می آید اینکه :

نفل : هر شیء زائده بر اصل و زیاده بر استحقاق و آنچه خارج از روش و انتظار معمولی است ، به گونه ای که مورد توجه و انتظار و توقع نمی باشد . به همین جهت بر غنائم هم ، انفال اطلاق گردیده است .

راغب در مفردات می گوید : اگر مال مظفور به باشد ، غنیمت است ، و اگر هدیه از جانب خداوند تعالی باشد ، نفل است .

در کتب فقهی به هنگام بحث از انفال ، غالباً دو معنی مورد نظر بوده است .

۱- آنچه زیاده بر استحقاق است . مثلاً اگر سهمی از خمس ، حق رسول (ص) و امام (ع) است آنچه بیش از این مقدار به آنها تعلق گیرد ، نفل و از انفال است .

۲- غنائم . به این اعتبار که مقصود و غرض اصلی از جنگ ، غلبه حق بر کفر و شرک است و آنچه از اموال ، به عنوان غنیمت حاصل می شود ، زائد و اضافه بر مقصود اصلی است . و یا اینکه مسلمین بر دیگر امتهای در این مسئله ، فضیلت داده شده اند ، و حقی اضافه به آنها تعلق می گیرد . بعضی از معانی که برای مشتقات مختلف این کلمه ، در کتب لغت ذکر شده ، چنین است :

غنیمت - هبه - بهره - عطیه - عطا کردن - انجام کار غیر واجب - تاراج - طلب کردن  
عذر خواهی کردن - تبری جستن - قسم خوردن - فرزند فرزند - دریا - نوعی گیاه زرد رنگ  
خوشبو - سه شب دوم ماه - مرد سخاوتمند - جوان زیبا - شیدر .

۱ - القاموس المحيط - معجم مقاییس اللغة - فرهنگ نوین عربی فارسی - المعجم العربی -

الحديث - مفردات راغب - لسان العرب - المنجد - (باب نفل)

## ۲- در لسان فقهاء

غالباً در کتب فقهی، انفال را با ذکر موارد و مصادیق آن معرفی نموده اند، و تعریف صریح و مستقلاً از انفال کمتر وجود دارد، مگر در بعضی کتب که تعاریفی داده شده است، و ما این تعاریف را در پیوست شماره ۱ پایان رساله، نقل نموده ایم.

با توجه به تعاریف به‌طور کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که انفال اموالی است، که خداوند متعال، در اختیار امام و رهبر جامعه اسلامی، قرار داده است، تا با استفاده از آن، به اداره امور مسلمین، و تنظیم مصالح آنها، قیام نماید.

بزرگترین رهبر جامعه اسلامی، پیامبر گرامی اسلام، صلوات الله علیه وآله، بوده است، و پس از ایشان، ائمه معصومین علیهم السلام عهده دار این منصب بوده اند. بنابراین این انفال در اختیار آنها قرار داشته است.

در زمان غیبت هم انفال متعلق به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه است، ولی با توجه به غیبت حضرتش از طرفی، و لزوم اداره جامعه اسلامی و امور مسلمین از طرف دیگر، باید با برنامه صحیح از انفال در جهت مصالح اسلام و مسلمین استفاده شود، که انشاء الله در ادامه بحث بیشتر به این مطلب خواهیم پرداخت.

در ادامه، ابتدا به موارد و متعلقات انفال اشاره می‌شود، سپس به مالکیت، اداره، و نظارت بر آن در زمان حضور امام علیه السلام، و در زمان غیبت می‌پردازیم.

### ب- موارد و متعلقات انفال

با بررسی اقوال فقهای عظام، که در پیوست شماره ۲ پایان رساله به تفصیل آمده است، به طور خلاصه، موارد ذیل را از مصادیق انفال دانسته، و بحث انفال را ادامه می‌دهیم.

- ۱- زمینهایی که بدون جنگ و خونریزی و نیروی نظامی فتح شده باشد، و یا اهلیش آنرا با میل خود تسلیم مسلمانها نموده باشند. (و یا هر چیز که بدون جنگ به دست مسلمین آمده باشد.)
- ۲- زمینهای مواتی که مالک ندارد. (و یا هر زمینی که مالک ندارد، گر چه اصالةً آباد بوده باشد.)

۳ - قتل کوهها ، درون درهها و نیزارها .

۴ - صفا یا اموال قیمتی و قطانع ملوک در صورتی که غصبی نباشد و نیز اشیاء قیمتی و بارز

که در غنائم موجود است .

۵ - غنائمی که در جنگ بدون اذن امام (ع) به دست آید .

۶ - سواحل دریاها و نهرها .

۷ - ارث کسی که وارث ندارد .

۸ - دریاها و دشتهای

۹ - معادن . (با توضیح و تفصیلی که در فصل دوم خواهد آمد .)

### ج - مالکیت ، اداره و نظارت بر انفال

در این قسمت از بحث ، ابتدا مالکیت ، اداره و نظارت بر انفال را در زمان حضور امام علیه السلام بررسی می‌کنیم ، و سپس به زمان غیبت می‌پردازیم ، و اشاره‌ای هم به بحث " اباحه در زمان غیبت " خواهیم داشت .

#### ۱ - در زمان حضور امام علیه السلام

مواردی که به عنوان انفال ذکر شده است در اختیار امام (ع) و ملک اوست ، البته نه به معنی مالکیت شخص ، بلکه بعنوان مالکیت منصب امامت و ولایت ، همانگونه که قبل از ائمه (ع) بعنوان ریاست الهی و حکومت پیامبر اکرم (ع) بر امت اسلامی ، در ملکیت ایشان بوده است .

روشن است که در زمان حضور امام (ع) اختیار اداره و نظارت بر انفال مستقیماً در دست خود ایشان است ، و هیچ کس بدون اذن و اجازه ، حق تصرف در اموال امام (ع) را ندارد . و اگر کسی بدون اجازه تصرف نماید ، غاصب است ، و در صورتی که از چنین تصرفی نمائی حاصل شود ، متعلق به امام (ع) خواهد بود .

عبارات مرحوم محقق (ره) در شرایع و شرح صاحب جواهر (ره) در این خصوص چنین است :<sup>۱</sup>

۱ - النجفی - شیخ محمدحسن - جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام - (بیروت - دار احیاء التراث العربی

۱۹۸۱م) جلد ۱۶ - کتاب الخمس ص ۳۴

"(الثانی) من المقصدین الملحقین بکتاب الخمس (فی کیفیسه) التصرف فی مستحقه ( من الانفال والخمس (و فیہ مسائل : الاولی لایجوز التصرف فی ذلك بغير اذنه ( عقلاً و شرعاً بل بضرورة من الدین کخیره من الاملاک (و لو تصرف متمصرفاً کان عاصياً ) ظالماً ماثوماً ( و لو حصل له فائدة ) تابعة للملك شرعاً لا التابعة لغيره من البذر و نحوه (كانت للامام ع) كما هو قضية اصول المذهب و قواعده فی جمیع ذلك من غیر فرق بین زمني الحضور والغیبة و تحلیل الانفال منهم علیهم السلام للشیعة فی الثانی خروج عن موضوع المساله اذ هو اذن ..."

و مرحوم شیخ طوسی ره در مبسوط می فرماید :<sup>۱</sup>

" فجمیع ما ذکرناه کان للنبی ص خاصة و هی لمن قام مقامه من الائمة فی کل عصر فلا یجوز التصرف فی شیء من ذلك الا باذنه فمن تصرف فی شیء من ذلك بغير اذنه کان عاصياً و ما یحصل فیہ من القوائد والنما للامام دون غیره ومتی تصرف فی شیء من ذلك یامر الامام و باباحته او بضمانه کان علیه ان یودی ما یصلحه الامام علیه من نصف او ثلث و الباقی له ، هذا اذا کان فی حال حضور الامام و انبساط یده ."

همه آنچه را که از انفال ذکر نمودیم مخصوص پیامبر اکرم ص و بعد از ایشان در هر عصر متعلق به کسی است که در مقام ایشان قرار می گیرد . بنا براین تصرف در آنها جائز نیست مگر با اذن و کسی که بدون اذن تصرف نماید گناهکار است . و فائده ای را که بدست می آورد ، ملک امام خواهد بود . و هر گاه با امر یا اباحه و یا ضمان امام در انفال تصرف نماید ، آنچه را امام با او مصالحه نموده ، از نصف یا ثلث ، باید به امام بپردازد . و بقیه برای خود اوست . این حکم مربوط به زمانی است که امام حضور داشته و مبسوط الید باشد .

۱ - الطوسی - محمدبن حسن - المبسوط (تهران - مکتبه المرتضویه - بی تا) جلد ۱ - ص ۲۶۳

ایشان در نهاییه نیز چنین می‌فرمایند: <sup>۱</sup>

"ولیس لاحد ان يتصرف فيما يستحقه الامام من الانفال والاحماس  
الا باذنه فمن تصرف فی شیء من ذلك بغير اذنه كان عاصيا وارتفاع ما  
يتصرف فيه مردود علی الامام و اذا تصرف فيه بامرا لامام كان علیه  
ان یودی ما یمالحه الامام علیه من نصف او ثلث او ربع . هذا فی  
حال ظهور الامام . . . ."

و در کتاب الخمس و الانفال آمده است: <sup>۲</sup>

"لا یجوز عقلا وشرعا التصرف فی مال الامام من الخمس و الانفال  
الا باذنه فانه مقتضى كون المال للغیر و فی اختیاره ولو تصرف  
متصرف كان غاصبا ولو حصل له فائدة تابعة للملك كانت للامام من  
غیر فرق بین الحضور و الغیبة ولو ثبت منهم التحلیل لشخص او فی  
عصر او مطلقا كان اذنا منهم فیخرج موضوعا . . ."

### نتیجه

از آنچه گفته شد ، روشن می‌شود که در زمان حضور امام علیه السلام انفال به عنوان منصب  
امامت در ملکیت ایشان است ، و هر گونه که مصالح امت اسلامی اقتضا نماید ، صرف خواهند نمود .  
لذا تصرف بدون اذن ایشان جایز نبوده و در صورت انجام ، غصب محسوب می‌گردد . و اگر سودی حاصل شود  
متعلق به امام (ع) است . همچنین اگر طبق قراردادی بعضی از موارد انفال را به کسی واگذار نمودند  
تصرف جایز می‌شود و باید طبق قرار ، عمل شود .

۱ — الطوسی - محمد بن حسن - النهاییه (قم - محمدی - بی تا) ص ۱۹۹

۲ — منتظری - حسینعلی - کتاب الخمس و الانفال (قم - اسلامی - بی تا) ص ۳۵۱

## ۲ - در زمان غیبت امام علیه السلام

همانطور که در قسمت قبل دانستیم ، مالکیت انفال متعلق به امام معصوم علیه السلام است . البته جهت این مالکیت ، رهبری و امامت است . بنابر این اگر آن جهت برای امام (ع) محفوظ بماند و رهبری امت و اداره حکومت به دست او باشد ، انفال هم در اختیار اوست . ولی اگر چنانچه همانند زمان غیبت امام معصوم (ع) ، شخما و مستقیما رهبری جامعه را در دست نداشته باشند ، بلکه حکومت به دست ولی فقیه عادل با شد ، بنابر همان جهتی که ذکر شد و توضیح بیشتر آن خواهد آمد ، انفال در اختیار ولی شرعی قرار می گیرد .

در این خصوص اقوال مختلفی هست . ابتدا نگاهی اجمالی به این نظرات می افکنیم ، و بعد از آن جمع بندی مطالب را ذکر می کنیم :

مباح شده است .

**الف** یک نظر این است که انفال در زمان غیبت برای شیعیان ، بلکه برای غیر شیعه است . بطوریکه با شرایط خاص خود می تواند از طریق حیات و احیاء به ملکیت افراد هم درآید . و در غنی بودن یا فقیر بودن متصرف در این مسئله فرقی نیست ، مگر در مورد ارث فاقد ارث که بعضی از فقهاء عظام مصرف آنرا به فقراء ، و بعضی به فقراى بلد میت مختص نموده اند . آراء مختلف در این زمینه در پیوست شماره ۳ پایان رساله آمده است .

**ب** - و اما نظر دیگر در مورد حکم انفال در زمان غیبت این است که :

تصرف شیعیان در حقوق امام (ع) که در مناکح و متاجر و مساکن هست ، مباح شده است . و در غیر این موارد ، تصرف در حقوق ایشان به هیچ وجه جائز نیست . بلکه باید سهم اصناف مختلف که ذی حق هستند ، بین آنها تقسیم شود . و سهم امام (ع) نیز به یکی از چند روش که توضیح داده خواهد شد ، جدا گردد .

مراد از اباحه تصرف در متاجر این است که شیعیان می توانند آنچه را که حقوق ائمه (ع) از خمس و مانند آن ، در آن هست ، خریداری نمایند و با آن تجارت کنند و چنین تصرفی مجاز است . البته اگر در این تجارت سودی نمودند ، لازم است خمس آنرا بپردازند . ( با رعایت شرایط و احکام مربوطه ) . مراد از اباحه مناکح و مساکن هم به همین معنی است که لازم نیست سهم امام (ع) قبل از تصرف

از آن خارج شده باشد .

اختصاص اباحه به این سه مورد عموماً اینگونه تعلیل شده است که این موارد از اموری است که مردم ناچار از تصرف در آنها هستند ، و در صورت عدم اباحه و لزوم رعایت حق امام (ع) اسباب اضطرار

مسلمین فراهم می آید . و یا به ناچار مرتکب گناه می شوند .

آراء فقهای عظام در این رابطه در پیوست شماره ۴ پایان رساله آمده است .

ج - نظر سوم :

مرحوم شیخ طوسی (ره) در تهذیب میفرماید :

" اما الغنائم و المتاجر و المناكح و ما یجری مجراها مما یجب  
للإمام فیه الخمس فانهم (ع) قد اباحوا لنا ذلك و سوغوا لنا التصرف  
فیه ... و اما اراضی الخراج و اراضی انفال و التي قد انجلیسی  
اهلها عنها فانا قد ابحننا ایضا التصرف فیها مادام الامام (ع)  
مستترا فاذا ظهر یری هو (ع) فی ذلك رایه "

اما غنائم و متاجر و مناكح و آنچه مانند اینهاست که خمس آن تعلق  
به امام (ع) دارد ، این موارد را برای شیعیان مباح و تصرف در آنرا  
جائز نموده اند ... و اما زمینهای خراج و انفال و زمینهایی که اهل  
آن کوچ نموده اند ، تصرف در این موارد را نیز برای شیعیان در زمان  
غیبت مباح می دانیم ، و در زمان حضور اختیار آنها با خود امام است .

با عبارتی که از مرحوم شیخ نقل نمودیم، نظر دیگری که در تصرف انفال در زمان غیبت هست ،  
روشن می گردد . در این نظر غنائم و زمینهای خراج و زمینهای انفال و زمینهایی که ساکنان آن کوچ  
نموده اند ، با اضافه متاجر و مناكح جزء مباحات قراز گرفته است .

۱- الطوسی - محمدبن حسن - تهذیب الاحکام - (تهران - دارالکتب الاسلامیه - ۱۳۶۴)

د - نظر چهارم در مورد مالکیت و تصرف انفال در زمان غیبت این است که اباحه فقط در مورد

مناکح است ، وبقیه موارد مشمول اباحه نمی‌گردد .

مرحوم شیخ مفید<sup>(ره)</sup> مقلعه می‌فرمایند :<sup>۱</sup>

"واعلم ارشدك الله ان ما قدمته في هذا الباب من الرخصة في تناول الخمس ولتصرف فيها نماورد في المناكح خاصة لليلة التي سلف ذكرها في الاثار عن الائمة (ع) لتطيب ولادة شيعتهم ولم يرد في الاموال وما أخرته عن المتقدم مما جاء في التشديد في الخمس والاستبداد به فهو مختص بالاموال ."

ه - و نظر پنجم اینکه هیچ کدام از موارد انفال مباح نشده است وحق امام (ع) در همه

آنها محفوظ مانده و باید از تصرف مصون باشد .

ابی الصلاح از قائلین این نظر است !<sup>۲</sup>

۱ و ۲ - نقل از: منتظری - حسینعلی - کتاب الخمس والانفال (قم - اسلامی - بی تا) ج ۱ ص ۲۶۳



همانگونه که در ابتدای توضیح نظردوم عنوان گردید ، درغیرازمناکح ومتاجر ومساکن ، حق امام ع  
 وسائر مستحقین باید خارج گردد . و کسی مجاز به تصرف در حق امام نیست .  
 در مورد چگونگی مصرف سهم امام (ع) چند قول هست که به آنها اشاره می شود :  
 از آنجا که جمیع انفال متعلق به امام است ، حکم تقسیم آنرا مانند خمس دانسته اند و همان اقوال  
 اختلافی باب خمس را ذکر نموده اند .  
 ۱ - لازم است سهم امام را انسان تازمانی که زنده است ، حفظ نماید و هنگام مرگ به کسی که مورد  
 وثوق اوست ، وصیت نماید که مال را نگه دارد ، تا اینکه زمان ظهور رسیده و سهم امام به حضور مبارکش  
 تقدیم گردد .  
 ۲ - واجب است که سهم امام (ع) دفن گردد . چون زمین هنگام ظهور حضرت گنجهای خود را خارج  
 می نماید .  
 ۳ - واجب است که خمس به شش قسمت تقسیم گردد . سه سهم متعلق به امام است که یا دفن  
 می گردد ، و یا نزد فردی که مورد اطمینان است ، به امانت گذارده می شود تا به دست امام برسد . و سه سهم  
 دیگر بین ایتام و مساکین و در راه ماندگان از آل محمد (ص) تقسیم می گردد .  
 ۴ - خمس به شش قسمت تقسیم می گردد که سه سهم متعلق به امام است و این سه سهم همراه با  
 سه سهم دیگر ، در مورد مستحقین آن صرف می گردد . که در این صورت نظارت و سرپرستی مصرف سهم امام (ع)  
 با کسی است که حکومت بدو سپرده شده که او به نیابت از امام تولی این کار را بر عهده می گیرد .

در اینجا به عباراتی از مرحوم شیخ طوسی (ره) توجه می کنیم:

"وما يستحقونه من الاخماس في الكنوز والمعادن وغيرهما في حال  
 الغيبة فقد اختلف احوال الشيعة في ذلك وليس فيه نص معين فقال  
 بعضهم انه جارفي حال الاستتار مجرى ما ابيح لنا من المناكح والمناكح  
 - جر وهذا لا يجوز العمل عليه لانه ضد الاحتياط وتصرف في مال الغير  
 بغير اذن قاطع .  
 وقال قوم انه يجب حفظه مادام الانسان حيا فاذا حضرته الوفاة  
 وصى به الى من يثق به من اخوانه ليسلم الي صاحب الامر (ع) اذا ظهر ."

۱ - الطوسی - محمد بن حسن - مبسوط - (تهران - مکتب المرتضویه - بی تا) ج ۱ - ص ۲۶۳

ویوصی به کما وصی الیه الی ان یصل الی صاحب الامر .

وقال قوم یجب دفنه لان الارضین تخرج کنوزها عند قیام القائم .  
وقال قوم یجب ان یقسم الخمس ستة اقسام ، فثلاثة اقسام للامام  
یدفن او یودع عندمن یوثق بامانته والثلاثة اقسام الاخرتفرق علی  
ایتام آل محمد(ص)ومساکینهم وابناء سیلهم لانهم المستحقون لها  
وهم ظاهرین وعلی هذا یجب ان ینزل العمل لان مستحقها ظاهر وانما  
المتولی لقبضا او تفرقها لیس بظاهرها مثل الزکاة فی انه یجوز  
تفرقها وانه یجوز تفرقة الخمس مثل الزکاة ، اذا کان المتولی لقبضا  
لیس بظاهرا بخلاف وقد تقدم فی بحث الزکاة وان کان الذی یجئ حمل  
الصدقات الیه لیس بظاهرا وان عمل عامل علی واحد من القسمن  
الاولین من الدفن والوصایة لم یکن به باس فاما القول الاول ، فلا یجوز  
العمل به علی حال . "

همانگونه که ملاحظه شد، بعضی از آراء نقل شده به دفن سهم امام(ع) و بیانگه داشتن و وصیت نمودن  
تاریسیدن زمان ظهور، حکم می‌کند. در این خصوص لازم به اشاره است که روح حاکم بر مسائل و احکام اسلام  
حتی عبادات، بر پایه انسجام امور مسلمین و حفظ نظام اسلامی و سیادت قانون الهی و جلوگیری از ظلم و  
تجاوز و بی عدالتی و هرج و مرج استوار است. بنابراین (و با توجه به استدلال دیگری که در قسمت بعد  
مطرح خواهد شد)، لزوم تشکیل حکومت برای بسط عدالت، تعلیم و تربیت، حفظ نظم، رفع ظلم، دفاع از  
مرزها و منع تجاوز و بیگانگان و رفع استثمار، امری مبین و روشن است و این امر (تشکیل حکومت)، نیاز  
به بودجه و امکانات مالی عظیم دارد که در دستورات اسلامی مورد توجه و عنایت بوده است، و سهم امام  
(ع) یکی از موارد آن است. و این نه مخصوص شخص امام معصوم(ع) باشد، که مربوط به اهداف و برنامه  
- های اجرائی ایشان است. و اگر زمانی شخص امام معصوم(ع)، بنا به دلالتی ظاهر نباشند، این به معنی  
تعطیل شدن برنامه های اسلام نیست. بنابراین دفن کردن و یا محبوس نمودن سرمایه های عظیمی که  
باید گره گشای مشکلات مسلمین باشد، و در جهت اهداف عالی اسلام صرف شود، چیزی جز به تعطیل یا  
سستی کشاندن برنامه های اسلام، و وابسته و فقیرنگاه داشتن مسلمین، و هموار کردن راه ظلم و تجاوز  
استعمارگران، و مانند آن را، به همراه نخواهد داشت.

ضمناً استدلال به این مطلب که در زمان ظهور حضرت حجت سلام الله علیه زمین گنجینه های خود را بیرون خواهد ریخت و این اموال در اختیار حضرت قرار می گیرد و ایشان با استفاده از آن قیام به عدل می کنند، استدلالی تام نیست • چون شاید مقصود از گنجینه های زمین فقط پول و ثروت مند فون شده، نباشد بلکه معانی وسیع تر و بالاتری داشته باشد •

همه آنچه در زمین است، برای انسانها خلق شده، و نهایت شکوفائی و بهره دهی زمین در زمان ظهور حضرت (ع) و تشکیل حکومت حقه خواهد بود، که تمام خزائن زمین و نعمتهای الهی با منتها درجه رشد و شکوفائی در اختیار انسانها خواهد بود • و روشن است که در آن شرایط، حضرت برای اداره امت جهانی اسلام نیاز به اموال مدفون شده فعلی مانده اند داشت • و چنین برداشت و تفسیری، با مقام و اولیاد آن حضرت، — که از درک و فهم آن عاجزیم — سازگار نیست •

### \* نقش و جایگاه فقیه عادل در حکومت اسلامی

قبلاً دانستیم که انفال ملک منصب امامت است. یعنی امام (ع) از آن جهت که رهبر و حاکم جامعه اسلامی است، اختیار رهبرگونه دخل و تصرفی در اموال عمومی جامعه را دارد. و روشن است که تصرفات امام (ع) در جهت مصالح امت اسلام است.

با توجه به نقشی که رهبر بودن و حاکم جامعه اسلامی بودن در این قضیه یافته است می توانیم بسیاری از اختلاف نظرهایی را که در مسئله اداره و تصرف در انفال برشمریم، به یک نقطه مشترک برسانیم.

ابتدا باید توجه کامل داشته باشیم که مجموعه آراء فقهاء عظام شیعه در زمانی به امت اسلام عرضه شده است که خلافت و امامت مسلمین از جایگاه حقیقی خود منحرف، و از دست خاندان طاهره پیاپیا مبراکم (ص) که اولیاء مطلق جهان بشریتند خارج شده، و حتی علما و فقهایی گرانقدر هم در امر حکومت و اداره جهان اسلام سهیم و دخیل نبوده اند. لذا تناسب حکم و موضوع، صدور احکامی را ایجاب کرده است که: عوض شدن اوضاع جامعه مسلمین و تغییر نوع حکومت و دخالت مستقیم فقها در اداره جامعه مسلمین و تبعیت از اوامر قرآن کریم و التزام به سنت شریف، آن احکام را متحول خواهد ساخت.

بعبارت دیگری خواهیم بداندیم که اگر فقهای گرانقدر ما در مقابل حکومتهای جائز و ظالم و منحرف از تعالیم اسلام قرار نداشتند، بلکه خود متصدی اداره امور مسلمین و نشر فرهنگ سامیه اسلام، و دفاع از شریعت مقدس بودند، در مسائلی همانند آنچه مورد بحث ما است، چگونه تصمیم می گرفتند و چگونه فتوی می دادند.

برای روشن شدن این مطلب به طور خلاصه جایگاه فقیه عادل در حکومت اسلامی را مورد بررسی قرار می دهیم: (۱)

اگر کسی به طور اجمال به احکام عبادی اسلام که وظایفی بین بندگان و خالق آنهاست و به بسط و گسترش آن در تمام شئون جامعه، نظری بیافکند، درخواهد یافت که اسلام بخلاف تبلیغات شوم و مستمر اجانب در طول تاریخ که برای اسقاط اسلام و مسلمین و ایجاد تفرقه

۱- نقل از: خمینی - روح ۰۰۱ کتاب البیع - (قم - اسماعیلیان - بی تا) ج ۳ - ص ۴۵۹-۴۸۹ - ترجمه و تصرف